

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۰۴ جولای ۲۰۱۲

## خلقت از دیدگاه ادیان ابراهیمی

### بخش دوم

اسطوره پیدایش :: در باور "با کوبا" زمین در ابتداء چیزی جز تاریکی و آب نبوده است . فرمانروای این زمین غولی به نام مبومبو بوده است روزی او در معده‌اش احساس درد شدیدی می کند و پس از آن خورشید، ستارگان و ماه را استفراغ می کند. گرما و نور خورشید آبهای پوشاننده زمین را تبخیر می کند و ابر ها پدیدار می گردند. حاصل تبخیر آبها پیدایش خشکی بوده است. مبو مبو یک بار دیگر استفراغ می کند و این بار چیز های بسیاری از جمله مردم (نخستین زن و مرد) حیوانات، درختان، شهاب سنگها، سندان، تیغ، دار و رعد و برق را بالا می آورد . زن آب ها **نچینگ**، در شرق زندگی می کرده است و پسر او **وتو** نخستین پادشاه "با کو با" گردید.

**ماسائی های کنیا** به وجود آمدن انسان را نتیجه کار **انکای** آفریدگار می دانند . ماسائی ها : او یک درخت را به سه بخش تقسیم کرد به نخستین پدر ماسائی یک چوبدستی داد . به نخستین پدر کیکویا یک کج بیل داد به نخستین پدر کامبا یک تیر و کمان داد . همگی آن‌ها توانستند در جهان وحش زنده بمانند. پدر ماسائی ها از چوبدستش برای گله داری، پدر کیکویا ها از بیلش برای کشاورزی و پدر کامباها از نیروی کمانش برای شکار استفاده کرد. **زولو** – نام آفریننده زولو اونکو لونکو لوست. او خود از نی پدیدار گشت و مردم و دام را به وجود آورد او همه چیز را از زمین و آب ها گرفته تا حیوانات را آفرید . او نخستین انسان و پدر تمامی مردم شناخته شد او همان کسی است که به زولو ها آموخت که چگونه شکار کنند و چگونه آتش بیفروزند و غذای خود را آماده کنند.

### اروپا - یونانی

هزیود در **تئو گو نیا** (نسب نامه خدایان یا خدای نامه) ذکر می کند که در ابتداء خائوس وجود داشته است که خود گایا (زمین) تارتورس (جهان زیرین) آروس (شهوت) نوکس (تاریکی شب) و ار بوس (تاریکی جهان زیرین) را پدید آورد . گایا از دل خود اورانوس و پونتوس را به وجود آورد سپس گایا با اورانوس نزدیکی کرده و بسیاری از خدایان یونان باستان از جمله اوکتانوس – رئا، فی بی و تیتان ها را زائید . کروونوس که یکی از فرزندان آن دو و یکی از تیتان ها بود با کمک گایا، او را نوس را اخته کرد سپس کروونوس با رئا ازدواج کرد از فرزندان آن دو میتوان هرا، پوزئیدون، هادس و زئوس را نام برد. زئوس و برادرانش کروونوس و سایر تیتان ها را بر کنار کردند و برای روشن شدن محدوده فرمانروائی خود قرعه کشی نمودند نتیجه بدین قرار بود که زئوس فرمان روای

آسمانها گشت . دریا ها از آن پوزئیدون گردید و جهان زیرین نیز نصیب هادس شد

### آسیا - مغولی

مغول ها اسطوره آفرینش واحدی ندارند از میان باور های متعدد آن ها یکی داستان آفرینش توسط یک لاما ( کاهن اعظم) است. در آغاز تنها آب وجود داشت و لاما با چوبدست آهنینی در دست از آسمان پائین آمد و با همان چوبدست خود مشغول همزدن آب گردید و این هم زدن سبب ایجاد آب و آتش گردید و افزایش غلظت مرکز جایی که لاما به هم می زد خشکی را ایجاد کرد. باور دیگر آفرینش را مر بوط به لا مائی به نام "اودان" ذکر می کند. **اودان آسمان و زمین را از هم جدا کرد و آسمان و زمین را به نه طبقه تقسیم کرد** او همچنین نه رود خانه به وجود آورد **پس از آفرینش زمین او نخستین زن و مرد را از گل آفرید. این زن و مرد خود والدین تمامی انسان ها شدند.**

### سومری

قدیمی ترین اسطوره آفرینش سومریان به حدود ۱۸ قرن پیش از میلاد باز می گردد . این اسطوره بر روی بخشی از لوحی گلی نگاشته شده است. لوح از اینجا آغاز می شود که خدایان آنو، انلیل، انا و بینهور ساک دست به آفرینش سومریان و حیوانات می زنند سپس پادشان از آسمان پائین می آیند و نخستین شهر ها از جمله اریدو، لارسا و شورو پاک بنا نهاده می شوند و بخش بعدی لوح از میان رفته است ولی پس از آن لوح نشان می دهد که خدایان تصمیم به فرستادن طوفانی برای نابودی بشریت می گیرند. زیود سورا از این مسأله با خبر می شود و یک کشتی می سازد. کشتی هفت شبانه روز اسیر طوفان می گردد تا این که خدای خورشید بر زیود سو را نمایان می گردد. زیود سارا کشتی را می گشاید و در مقابل خدای خور شید ( او تو ) به خاک می افتد و برایش گاو و گوسفند قربانی می کند. بخش بعدی داستان نیز به دلیل شکستن لوح از بین رفته است و در قسمت پایانی خدایان به زیود سورا عمر جاودان می بخشند . **بابلی** انو ما الیش اسطوره آفرینش بابل است و در آن مردوک برای حفظ سایر خدایان در مقابل حمله طراحی شده نیامات به وجود می آید. مردوک پیشنهاد محافظت از خدایان را در صورتی که آن ها او را پیشوای خود قرار دهند مطرح می کند. خدایان دیگر می پذیرد . مردوک نیامات را شکست می دهد و بدن او را دو پاره کرده از یک پاره آسمان را و از دیگری زمین را می سازد او سپس تقویم را می سازد و خورشید و ماه و ستارگان را نظم می دهد با اظهار وفا داری خدایان به مردوک او دست به ساخت بابل به عنوان معادل زمینی سر زمین خدایان می زند . مردوک پس از آن همسر نیامات را نا بود می کند و از خورشید برای ساخت انسان استفاده می کند . او این کار را از این جهت انجام می دهد که انسان ها نیز توان انجام کار های خدایان را داشته باشد.

با مختصر توضیحاتی در باره اسطوره آفرینش در سر زمین های مختلف تا قبل از طرح تیوری داروین بر مبنای (تغییر و تبدیل انواع ) ادیان تمام چرندیات را پشت سر هم به بشریت ذهن نشین ساخته و نقش منفی در رشد افکار انسان ها در جوامع مختلف بازی نمودند . اما بعد از طرح عقاید داروین یک تعداد از عیسویان متوجه علمیت مسأله شده و اظهار داشتند نظریه داروین **ابداً جنبه ضد مسیحیت** ندارد که بعداً یک تعداد از روشنفکران به اصطلاح اسلامی به پیروی از تفکر پیشوایان عیسویت آیات قرآنی را بر تیوری ترانسفورمیسم استوار نگهداشته و از آیات قرآنی تفاسیری در تطابق با علوم مشخصه نموده، سعی داشته اند تا بعضی از پدیده های علمی را در تحلیل های خود دینی مخصوصاً (اسلامی) جلوه دهند که همه دور از حقایق علمی بوده و به هیچ وجه با بیان روشن قرآن در باب آفرینش و خلق آدم و حوا مطابقت نداشته و قابلیت تفسیر را ندارند . این روشنفکران مثل داکتر سبحانی، داکتر شریعتی و شاگردان و پیرو چنین اندیشه (با تظاهر به آن) و ملا های جدید نکتائی پوش و دیگر سیاسیون مذهبی به اصطلاح مترقیان اسلامی سعی دارند تا اسلام را در چوکات پیشرفت های علمی به معرفی گرفته و باعث کج

اندیشی مردم ما شوند (با وجودی که عقل و فهم ادیان مخصوصاً اسلام به پایه ای نمی رسد تا تحلیلی درست و معقول از طرح های علمی پیرامون این مسایل رداشته و مردم را معتقد و برای شان استدلال بدارند) بینش غیر علمی مداحان استعمار از عینک تقلید و خدمتگذاری فقط بر مبنای خواست های باداران شان بوده روی آن پافشاری می دارند و سعی کرده و می کنند تا از آیات قرآنی تفسیر های متنوع به تأیید آنچه علم می گوید بیاورند تا باشد در فریبکاری نسل های بعدی سهم بیشتری داشته باشند و آنها سعی بر این دارند تا از روح خدائی انسانی صحبت دارند و بی توجه به ماهیت روح - شعور و خصلت های مغزی انسانی!! توجه به این دارند تا تشریح کنند که انسان جسم حیوانی تکامل یافته دارای روح خدائیت است که او را از حیوانات متمایز ساخته و از این جهت انسان موجودی است شبیه خدا که این بینش غیر علمی در دایرة المعارف امریکانا چنین انعکاس یافته است :

آدمی توسط آفریدگار خلق شده است و در او روح خدائی با جسم حیوانی پیوند گرفت و همین روح است که او را به خدا شبیه می سازد و به همین گونه مسلمانان می گویند که انسان بُعد الهی و ماوراء الطبیعی دارد و جهان دیگر وجود دارد که زندگی واقعی مربوط به آن است یعنی پس از مرگ روح تو باقی می ماند و دارای حیات ابدی و جاودانی است و یا می گویند حقیقت انسان لمعه ای از ملکوت الهی است و تمام ارزشها و کمالات روحی نیز ریشه در همین واقعیت دارد یعنی انسانها دارای فطرت اصیل الهی می باشند و یا بعضی از روحانیون (چه مسیحی و چه مسلمان) می گویند : اگر چه آدمی از لحاظ جسمی زائیده پدیده های طبیعی است از لحاظ کیفیت مخلوقی است ما فوق طبیعت. به این ترتیب گمان می کردند اصالت خدائی منشاء آدمی را به اصطلاح از خطر بد نامی نجات داده اند. بعضی از اینها بدون انکار مشابهت های تکاملی انسان و حیوان اظهار می داشتند که اینها فی الجمله جنبه ثانوی دارند و روح خلاصه، اصل و ابتداء است و برای دست یافتن به جوهر اصلی انسان باید از روانشناسی آدمی آغاز به تحقیق کرد نه از جانور شناسی!! زیرا روانشناسی نشان خواهد داد که بین روان آدمی و جانور هیچ وجه مشترکی نیست لذا انسان موجود خارق العاده است و بررسی مسأله منشاء انسان به هیچ وجه در صلاحیت زیست شناسی و جانور شناسی نمی باشد و چون روح انسانها و حیوانات وجه مشترکی ندارند لذا روح انسان نمی تواند از طریق تکامل طبیعی حاصل شده باشد و از این استدلال نتیجه می گیرند که آدمی مشتق از سلسله جانوران نیست بنا بر این مخالفان داروینسیم و تکامل می کوشند حال که نتوانستند تکامل را منکر شوند روح و جسم آدمی را به هر ترتیب که شده دو عنصر جدا از هم و مستقل از یکدیگر معرفی کنند و از نظر مخالفان داروینسیم و تکامل شعور (احساسات، تفکرات، اراده و غیره ...) از تظاهرات روح جاوید که ازلی است و تا روز ابد در کالبد به امانت گذارنده اند، بحث می دارند. ناگفته نباید گذاشت که همچو طرح هائی ناشی از مغالطه کاری تئوریسن های اسلامی می باشد نه ملاگک ها و رقاصان دینی و سیاسی اعراب که البته تعداد زیادی از آنها از سواد کامل هم بی بهره اند !!!؟؟ چه رسد به این که طراح و یا بسط دهنده چنین نظریات گمراه کننده باشند.

مسیر تکاملی انسان و جامعه که با مطالعه در ساختمان و اعمال و تکامل مغز انسان پیموده می شود این نظریه مذهبی را که مدعی است روح جزئی از خالق است و به عنوان همزاد جاودان ماده جسم را در اختیار دارد به کلی رد می کند وجود مراکز خاص برای اعمال و وظایف بدن در مغز نشان می دهد که تمام کیفیات روحی به عمل طبیعی قسمت های سالم مغز و به طور کلی به تمام سازمان آن بستگی دارد

ختم بخش دوم